

شرایط جدید "آرامش" به دنبال دارد؟

بدعت، فرصت، مکنت...

(۱) نسخه مخالفان و منتقدان کارلوس کی روش در فدراسیون فوتبال پیچیده شد و در صدر آنها آقای دبیرکل به سمت در خروجی هدایت گشت. در روزهای اخیر بیشتر هجمه ها سمت مرد پر تعالی بوده و برکناری اسدی تماماً به وی ربط داده شده، در حالی که رییس فدراسیون خود از ابتدا این شخص را در نهاد تحت هدایتش نمی خواست و اگر فشارهای وزارت ورزش وقت نبود، پیشتر از اینها اسدی برکنار شده بود و دیگر اصلاً شاهد این همه بگو مگو بین او و سرمربی تیم ملی نبودیم.

انتخاب تاج برای دبیرکلی فدراسیون، فرد دیگری بود که اتفاقاً سابقه حضور در ساختمان سنول را نیز داشت اما از بالا با حضور وی مخالفت و روی حفظ اسدی تأکید شد.

رییس فدراسیون اما بیکار ننشست و به شیوه خودش از اختیارات دبیرکل کاست. او با احکام و اختیاراتی که به ساکت داد، عملاً قدرت اجرایی و تصمیم گیری اسدی را به حداقل رساند تا به صورت غیرمستقیم به وی پیغام داده باشد جایی در فدراسیونش ندارد و بهتر است استعفا دهد. با این رویکرد تاج، اسدی با وجود اینکه در ظاهر سمت دبیرکلی را در اختیار داشت، تبدیل شده بود به فردی که از لحاظ قانونی و حقوقی وظیفه داشت پای برخی نامه ها را امضا بزند اما در عمل و واقعیت "هیچ کاره" بود. از سوی دیگر مخالفتها و به نوعی "دشمنی" اسدی با کی روش و واردات تاج به مرد پر تعالی، مزید بر علت شده بود تا رییس فدراسیون دنبال راهکاری برای خلاص شدن از دست آقای دبیرکل باشد اما لازم بود تا مشخص شدن تکلیف تیم ملی در راه صعود به جام جهانی صبر شود...

تیم کی روش که جواز حضور در روسیه را کسب کرد، دست تاج را برای تغییرات باز کرد و دیگر حتی از بالا نیز امکان و احتمال کمتری برای ایراد گرفتن از رییس "موفق" فدراسیون فوتبال وجود داشت. وزارت ورزش فعلی که خود به نوعی بلا تکلیف است، بر خلاف گودرزی و اطرافیانش خیلی در این امور وارد نمی شود، ضمن اینکه اگر دخالتها علنی گردد، بحث تعلیق و محرومیت‌های بین المللی وسط می آید که چون به صلاح مملکت نیست، مقدماتش نیز دستی دستی فراهم نمی گردد.

همه می دانند وجهه و اعتبار فعلی فدراسیون و فوتبال ایران، یک پوئن مثبت و برگ برنده برای دولت به حساب می آید، بنابراین همه چیز دست به دست هم داده تا تاج و همکارانش بعد از صعود تیم ملی به جام جهانی ۲۰۱۸ از حاشیه امنیت بیشتری برخوردار شوند و بتوانند "آسوده خاطر" تراز قبل اهداف خود را عملی کنند.

حالا فدراسیون برای تاج تقریباً "یکدست" شده و اتاق فکر "اصفهانی" این نهاد می تواند با اتفاق نظری بیشتر از قبل برنامه هایش را دنبال کند. این فاکتور برای هر مجموعه ای لازم و مفید است، البته به شرط آنکه افراد حاضر کارآمد و کاربلد باشند و در عمل ثابت شود عذر و صله های ناجور جمع را خواستن، تصمیمی عاقلانه و بکر بوده است...

گذر زمان همه چیز را در این زمینه مشخص خواهد کرد که البته امیدواریم به نفع فوتبال ایران باشد. آنچه فارغ از اسامی و عزل و نصب ها اهمیت دارد، سعادت و اعتبار فوتبال این مملکت است و در نگاه اول، حذف فردی را که هر از چند گاهی آرامش سرمربی موفق تیم ملی را به هم می زد و جو را متشنج می کرد، به فال نیک می گیریم اما از تاج خواهش میکنیم ثابت کند برکناری اسدی معادل با سرکوب حقیقت و دفن واقعیت نبوده است.

رییس فدراسیون حالا که برای رسیدن به هدفش (عزل دبیرکل سابق) حتی انگ گوش به فرمان بودن کی روش به پیشانی اش خورده و اعتراضی هم به آن نداشته، وظیفه دارد نشان دهد چرخ فدراسیون بدون امثال اسدی و عابدینی، بهتر و روانتر از قبل می چرخد و اینگونه نبوده که اینها به جرم زدن حرف حق، حذف شده باشند و گناه واقعی شان چوب لای چرخ فدراسیون و تیم ملی گذاشتن و مشکل تراشی برای آنها بوده و بس.

آیا گذر زمان این را ثابت می کند یا خدای ناکرده خلافش را...؟